

1. appropriate	مناسب	29. channel	کانال - شبکه	57. structure	ساختار
2. sweet	ابنبات - شیرینی	30. choice	انتخاب - چاره	58. happen	اتفاق افتادن
3. present	هدیه	31. wide	گسترده - وسیع - پهن	59. statement	جمله
4. midnight	نیمه شب	32. make a choice	انتخاب کردن	60. same	همان - یکسان
5. sentence	جمله	33. choose	انتخاب کردن	61. compare	مقایسه کردن
6. explain	توضیح دادن	34. single	تک - منفرد	62. previous	قبلی - سابق
7. suggest	پیشنهاد کردن	35. movie	فیلم	63. expression	عبارت - اصطلاح
8. offer	پیشنهاد کردن	36. viewer	بیننده	64. indicate	نشان دادن
9. editor	سر دبیر - ویراستار	37. recent	اخیر - جدید	65. function	نقش - عملکرد
10. assignment	تکلیف	38. research	تحقیق	66. timetable	برنامه درسی
11. comparison	مقایسه	39. housewife	خانه دار	67. physical education	تربیت بدنی
12. departure	عزیمت - حرکت	40. get away from sth	کسی را از چیزی دور کردن	68. biology	زیست شناسی
13. arrival	ورود	41. effect	تاثیر	69. geometry	هندسه
14. cost	قیمت داشتن - ارزیابی	42. experiment	آزمایش	70. theology	الهیات - دینی
15. depressed	افسرده - غمگین	43. recently	اخیرا	71. in pairs	دو نفری - جفت
16. mean	منظور داشتن	44. period	دوره - مدت	72. pronunciation	تلفظ
17. famous	معروف - مشهور	45. simply	(در جمله منفی) ابتدا - صرفا	73. column	ستون
18. interesting	جالب	46. continue	ادامه یافتن	74. foe	دشمن
19. eagle	عقاب	47. observation	مشاهده	75. cough	سرفه
20. believe	معتقد بودن - باور داشتن	48. struggle	نزاع - کشمکش	76. wonder	تعجب - حیرت
21. How long	چه مدتی	49. pressure	فشار	77. wonderful	فوق العاده - شگفت اور
22. hurry	عجله - شتاب	50. eyesight	بینایی	78. researcher	محقق - پژوهشگر
23. average	متوسط - میانگین - معدل	51. case	مورد	79. weak	ضعیف
24. worried	نگران	52. certain	معین	80. except	به جز
25. relaxed	راحت - آسوده	53. allow	اجازه دادن	81. skill	مهارت
26. plenty	زیاد	54. influence	تاثیر گذاشتن	82. skillful	ماهر
27. improve	بهبود بخشیدن - بهتر شدن	55. harmful	مضر - زیان اور	83. certainty	اطمینان - یقین
28. look	به نظر رسیدن	56. behave	رفتار کردن		

1. plan برنامه داشتن - برنامه ریزی کردن	21. purpose هدف	41. avoid اجتناب کردن از
2. educate پرورش دادن - آموزش دادن	22. fit آماده کردن	42. imagine تصور کردن
3. government دولت	23. as soon as به محض اینکه	43. mind اهمیت دادن
4. realize فهمیدن - پی بردن	24. prepare آماده کردن	44. miss نرسیدن به - از دست دادن
5. ashamed شرمنده (از)	25. examine بررسی کردن	45. flight پرواز
6. Silly احمق - احمقانه	26. suitable مناسب	46. passenger مسافر
7. value ارزش	27. fashionable رایج - مد	47. clerk کارمند - فروشنده
8. dangerous خطرناک	28. stupid احمق - احمقانه - کودن	48. force نیرو
9. forbidden ممنوع	29. society جامعه - اجتماع	49. identify شناسایی کردن
10. dislike دوست نداشتن	30. perfect کامل - عالی	50. add افزودن
11. insist اصرار کردن (به)	31. nation ملت - کشور	51. result نتیجه
12. keep (on) ادامه دادن	32. already قبلا	52. drill تمرین
13. proper مناسب - درست	33. degree مدرک - درجه	53. employ استخدام کردن
14. prefer ترجیح دادن	34. refuse خود داری کردن - رد کردن	54. honestly صادقانه
15. possible ممکن - امکان پذیر	35. service خدمت - خدمات	55. discussion بحث - گفتگو
16. impossible غیر ممکن	36. produce تولید کردن - ایجاد کردن	56. forbid ممنوع کردن
17. generally عموما - در کل	37. cure معالجه کردن	57. safe ایمن - مناسب
18. involved درگیر	38. rubbish اشغال - زباله	58. safety امنیت
19. end هدف	39. educated تحصیل کرده	
20. means وسیله	40. do best به بهترین وجه انجام دادن	

1. memory حافظه - یاد - خاطره	28. object شیء - جسم	55. look after مراقبت کردن از
2. once یک بار	29. scene صحنه	56. note یادداشت - توضیح
3. stick چسبیدن - چسباندن	30. briefly به طور خلاصه - اندکی	57. follow دنبال - آمدن
4. stick in one's mind در ذهن کسی ماندن	31. recall به یاد آوردن	58. precede قبل از آمدن - مقدم بودن
5. mind ذهن	32. interest علاقه	59. separate جدا شدن - جدا کردن
6. foreigner فرد خارجی	33. emotional عاطفی - احساساتی	60. depend بستگی داشتن
7. detail جزئی - جزئیات	34. feeling احساس	61. hobby سرگرمی
8. painful دردناک	35. lose از دست دادن	62. together با هم
9. dead مرده	36. occur اتفاق افتادن	63. however با وجود این
10. weak ضعیف	37. mental ذهنی - روانی	64. already قبلاً
11. strong قوی	38. chemical شیمیایی	65. guidance هدایت - راهنمایی
12. yet با وجود اینکه	39. basis اساس - مبنا	66. existence وجود - هستی
13. seem به نظر رسیدن	40. similar مشابه - شبیه (به)	67. invitation دعوت - دعوت نامه
14. brain مغز	41. pace سرعت	68. migration مهاجرت
15. ability توانایی	42. loss صدمه - لطمه	69. through از میان - از طریق
16. record سابقه - ثبت	43. conscious هوشیار - آگاه	70. accept پذیرفتن
17. event واقعه	44. give back برگرداندن	71. planet سیاره
18. record ثبت کردن - ضبط کردن	45. pick up برداشتن	
19. amount مقدار - میزان	46. coin سکه	
20. information اطلاعات	47. wake up بیدار کردن - بیدار شدن	
21. psychologist روان شناس	48. call up تلفن کردن	
22. take place اتفاق افتادن	49. enter وارد شدن	
23. even یکنواخت - منظم - حتی	50. look for دنبال ... گشتن	
24. over learning یادگیری با تکرار زیاد	51. history تاریخ	
25. poem شعر	52. responsible مسئول (برای)	
26. over and over again بارها و بارها	53. noise سر و صدا	
27. in great detail با جزئیات زیاد	54. afraid ترسیده (از)	

1. win	برنده شدن	27. consist	شامل بودن	53. instruction	آموزش - دستور العمل
2. athlete	ورزشکار	28. fortune	بخت - شانس	54. previous	قبل - سابق
3. wrestling	کشتی	29. include	شامل بودن	55. promise	قول دادن
4. wrestle	کشتی گرفتن	30. award	اعطای کردن - دادن	56. transportation	حمل و نقل
5. celebration	جشن	31. individual	فرد - انفرادی	57. section	قسمت - بخش
6. religious	مذهبی	32. silver	نقره	58. envelope	پاکت نامه
7. cover	پوشاندن	33. orally	به طور شفاهی	59. realize	فهمیدن - پی بردن
8. almost	تقریبا	34. season	فصل	60. operate	عمل کردن - به کار انداختن
9. snow - covered	پوشیده از برف	35. so far	تا کنون	61. comfortable	راحت
10. attract	جذب کردن - جلب کردن	36. from the beginning	از آغاز	62. length	طول
11. competition	رقابت - مسابقه	37. expect	انتظار داشتن	63. width	پهنای - عرض
12. among	در میان	38. destroy	نابود کردن	64. height	ارتفاع - قد
13. take part (in)	شرکت کردن (در)	39. advise	توصیه کردن به - نصیحت کردن	65. depth	عمق
14. event	واقعه	40. permit	اجازه دادن	66. heat	گرما
15. track and field	دو و میدانی	41. force	مجبور کردن	67. measure	اندازه گرفتن
16. and so on	و غیره	42. serious	جدی	68. lake	دریاچه
17. Greece	یونان	43. imperative	وجه امری	69. bottom	ته - پایین
18. (on) plain	(در) جلگه - دشت	44. indirect speech	نقل قول غیر مستقیم	70. bathroom	حمام
19. basically	اساسا	45. second floor	طبقه دوم		
20. play a part	نقش داشتن (در)	46. touch	دست زدن به - لمس کردن		
21. friendship	دوستی	47. shelf	قفسه		
22. international	بین المللی	48. make a noise	سر و صدا کردن		
23. decide	تعیین کردن - تصمیم گرفتن	49. exactly	دقیقا		
24. site	محل	50. encourage	تشویق کردن		
25. organize	سازماندهی کردن	51. quiet	ساکت - آرام		
26. world war	جنگ جهانی	52. immediately	فورا		

1. hard - working	سخت کوش	22. meal	غذا - وعده غذا	43. frightened	ترسیده - وحشت زده
2. invent	اختراع کردن	23. papyrus	پاپيروس	44. carpet	فرش
3. far apart	دور از هم	24. Egypt	مصر	45. cotton	پنبه - نخ
4. jump	پریدن	25. sheet	ورق - ورقه	46. taste	مزه داشتن
5. excited	هیجان زده	26. that's why	به این دلیل است که	47. appear	به نظر رسیدن
6. certain	معین مشخص	27. actually	واقعا - در واقع	48. quality	کیفیت
7. fast	روه گرفتن	28. suggest	پیشنهاد کردن	49. nationality	ملیت
8. as soon as	به محض اینکه	29. common	متداول	50. material	ماده
9. puzzle	معما - پازل	30. fear	ترس	51. involve	شامل شدن - مستلزم بودن
10. each other	یکدیگر	31. bored	خسته - کسل	52. keep accounts	حسابداری کردن نگه داشتن حساب ها
11. invention	اختراع	32. boring	خسته کننده	53. manage	اداره کردن
12. wonderful	فوق العاده	33. excited	هیجان زده	54. immediately	فورا
13. wire	سیم	34. exciting	هیجان انگیز	55. Do you really mean it ?	واقعا جدي مي گويي
14. shout	فریاد زدن	35. amused	سرگرم		
15. call out	فریاد زدن	36. amusing	سرگرم کننده - خنده دار		
16. instead	در عوض	37. confused	گیج		
17. by that time	تا آن موقع	38. confusing	گیج کننده		
18. habit	عادت	39. shocked	شوکه		
19. secret	سري - پنهان	40. shocking	تکان دهنده - هولناك		
20. behind	پشت	41. surprised	متعجب - حیرت زده		
21. make up	ساختن - تشکیل دادن	42. surprising	تعجب اور - حیرت انگیز		

1. field	رشته تحصیلی	24. addition	اضافه - جمع - افزایش	47. forest	جنگل
2. interest	علاقه	25. in addition to	علاوه بر	48. lab	آزمایشگاه
3. field of interest	رشته مورد علاقه	26. medicine	پزشکی - دارو	49. publish	منتشر کردن
4. design	طراحی کردن	27. chemist	شیمی دان - دارو ساز	50. main	اصلی
5. designer	طراح	28. drug	دارو	51. direction	مسیر - جهت
6. tower	برج	29. perform	انجام دادن	52. straight	مستقیم
7. giant	غول پیکر - خیلی بزرگ	30. task	کار - وظیفه	53. belong	تعلق داشتن
8. spacecraft	سفینه فضایی	31. by means of	به وسیله	54. belief	باور - اعتقاد
9. recently	اخیرا	32. exactly	دقیقا	55. department	واحد - بخش قسمت
10. orbit	چرخیدن به دور	33. furthermore	به علاوه	56. happiness	خوشحالی - خوشبختی
11. Endeavour	تلاش	34. at the same time	به طور همزمان	57. pilot	خلبان
12. otherwise	وگرنه - در غیر اینصورت	35. central	مرکزی	58. success	موفقیت
13. human	انسانی - بشری	36. constantly	پیوسته - دائم	59. cue	علامت - نشانه
14. disabled	علیل - معلول	37. around	سرتسر - دور	60. foggy	مه الود
15. properly	درست - خوب	38. tool	ابزار	61. scientific subjects	موضوعات علمی
16. process	پردازش کردن	39. entertainment	سرگرمی		
17. almost	تقریبا	40. capacity	ظرفیت - توانایی		
18. action	عمل - اقدام	41. handle	کنترل کردن		
19. superhuman	فوق بشری	42. available	موجود - در دسترس		
20. deny	انکار کردن	43. project	پروژه		
21. influence	تاثیر - نفوذ	44. inform	خبر دادن به - مطلع کردن		
22. importance	اهمیت	45. injured	مجروح		
23. through	از میان - از طریق	46. injure	مجروح کردن		